

شیوه نوین نگارش و ساختار آرای شورای قانون اساسی فرانسه در زمینه سازگاری قوانین عادی و ساختاری با قانون اساسی

سعید شجاعی ارانی**

۱. استادیار حقوق اقتصادی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۵

چکیده

تا پیش از پیدایش شورای قانون اساسی، ساختار دادگاه‌های فرانسوی دوگانه بود؛ یعنی برخی دعاوی در دادگاه‌های قضایی رسیدگی می‌شدند و برخی دیگر در دادگاه‌های اداری. بر پایه بخش هفتم قانون اساسی ۱۹۵۸ (ماده ۵۶ تا ۶۳) دادگاهی پایه‌گذاری شد که کارویژه‌های مهمی از دادرسی اساسی (سازگاری قانون عادی و ساختاری با قانون اساسی) تا دادرسی انتخاباتی (رسیدگی به دعاوی انتخاباتی) را انجام می‌داد، اما در دسته‌بندی دادگاه اداری یا قضایی جای نمی‌گرفت. با آنکه در آغاز شیوه نگارش و ساختار آرای شورا نزدیک به شورای دولتی بود، اندک‌اندک کوتاه‌نویسی کنار گذاشته شد و بر استدلال در آرا افزوده شد. با گذشت زمان، پافشاری بخشی از آموزه حقوقی از یک سو (به دلیل کارویژه این نهاد در حفظ نظم حقوق اساسی و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های بنیادین) و نظارت شهروندان بر عملکردش از سوی دیگر، سبب شد تا شورا در سال ۲۰۱۶ با هدف استدلال بیشتر و فهم‌پذیری بهتر، شیوه نگارش و ساختار آرای خود را بازبینی کند. در این پژوهش تحلیلی-انتقادی، با بررسی کارنامه شورا در زمینه سازگاری قوانین با قانون اساسی، خواهیم دید که کامیابی‌های به‌دست‌آمده هنوز چالش‌های پیش روی این نهاد در دستیابی به آن هدف‌ها پایان نیافته‌اند.

واژگان کلیدی: جمهوری پنجم فرانسه، دادرسی اساسی، شورای قانون اساسی، مستند و مستدل بودن رأی، نگارش و ساختار رأی..

مقدمه

قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه بنیادهای سیستم سیاسی-حقوقی نوینی را پی‌ریزی کرد که با نام جمهوری پنجم^۱ شناخته می‌شود. از نوآوری‌های این قانون پایه‌گذاری دادگاه قانون اساسی بود که وابسته به ساختار دوگانه دادگاه‌های^۲ فرانسوی، یعنی دادگاه‌های قضایی^۳ و اداری^۴ نبود. بر پایه بخش هفتم آن قانون (ماده ۵۶ تا ۶۳) شورای قانون اساسی^۵، کارویژه‌های مهمی از دادرسی اساسی (سازگاری قانون عادی و ساختاری با قانون اساسی) تا دادرسی انتخاباتی را انجام می‌دهد. شورا مانند دیگر دادگاه‌ها باید تصمیم‌های خود را بر پایه دلایل و مستندات حقوقی بگیرد و آرای خود را به پشتوانه استدلال درست، روشن و دقیق صادر کند. با آنکه این نهاد همواره چنین هدفی را دنبال کرده، ارزیابی حقوقدانان از شیوه استدلال شورا همیشه رضایت‌بخش نبوده است. گروهی با نیم‌نگاهی به آرای دیگر دادگاه‌های اساسی، به‌ویژه دادگاه فدرال آلمان،^۶ کارنامه شورا را نسبتاً خوب می‌دانستند (Rousseau et al., 2016: 349) و گروهی دیگر بر این باور بودند که استدلال‌های به‌کاررفته در آرا ناکافی (Sabete, 2011: 885) یا شیوه کار شورا غیردقیق و پیش‌بینی‌ناپذیرند (De Paul Tetang, 2016: 1; Ginocchi, 2011: 1097). از آن‌جا که آرای شورا از اعتبار امر قضاوت‌شده برخوردارند،^۸ استدلال‌ها، شیوه کاربرد و نگرش آن‌ها جایگاه بنیادی در هر رأی خواهند داشت. از این‌رو، شورا باید همواره به‌بهرتر کردن روش استدلال و شیوه نگرش آن‌ها بیندیشد (Belloubet, 2017: 8).

استدلال در آرای دادگاه‌های قانون اساسی به دلایل زیر اهمیت بسیاری دارد:

۱. در حکومت قانون‌مدار عملکرد دادگاه‌ها مانند هر نهاد قدرتمند دیگری از سوی شهروندان بررسی و ارزیابی می‌شود. دادرسی بر پایه استدلال به دادگاه‌ها کمک می‌کند تا از آزمون نظارت دموکراتیک سربلند بیرون بیایند. از این دیدگاه، استدلال از ابزارهای مشروعیت سیاسی خواهد بود؛

۲. کارویژه دادگاه قانون اساسی در حفظ نظم حقوقی-اساسی و نیز پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های بنیادین سبب شده است تا این نهاد همواره درستی عملکرد خود را به اثبات برساند. این پذیرش یا مشروعیت مدام (Fassassi, 2009: 142-149) از راه استدلال در آرا و توضیح، که بهترین شیوه ارتباط با شهروندان است، به‌دست می‌آید؛

۳. استدلال به اجرای بهتر رأی کمک می‌کند. برای پیاده‌سازی رأی دادگاه دو قدرت باید وجود داشته باشند: یکی قدرت الزام‌کننده، که ریشه در اعتبار امر قضاوت‌شده و تا اندازه‌ای قدرت آمره^۹ دارد، و دیگری، قدرت اقناع‌کننده که برای دادگاه قانون اساسی بسیار مهم است و خود را در استدلال نشان می‌دهد (Le Quinio, 2017: 34-35). به بیان بهتر، استدلال به دو

خواسته پاسخ می‌دهد؛ یکی توجیه رأی (با توجه به نقش دادگاه) و دیگری، توضیح رأی (با توجه به دریافتی که از رویه دادگاه به وجود می‌آید).

در این پژوهش تحلیلی-انتقادی، نخست گذری کوتاه بر گستردگی و گوناگونی آرای شورای قانون اساسی می‌کنیم. پس از آن، فرایند و ساختار آرای این نهاد در زمینه سازگاری قوانین با قانون اساسی را بررسی خواهیم کرد. از آنجا که پرداختن به همه صلاحیت‌های چنین نهادی فراتر از گنجایش یک مقاله است، آرای مربوط به دعاوی انتخاباتی،^{۱۱} همه‌پرسی^{۱۱} یا کارویژه مشورتی شورا^{۱۲} را کنار می‌گذاریم، زیرا هدف این نوشته ارزیابی بازبینی شیوه نگارش و ساختار آرای شورا در زمینه قانونگذاری است که از سال ۲۰۱۶ و با تصمیم اعضای شورا آغاز شد^{۱۳} تا این آرا هم فهم‌پذیری و خوانایی بیشتری داشته باشند و بخش استدلالی آن‌ها بیشتر و بهتر باشد. بررسی و گزارش کامیابی‌ها و چالش‌هایی که شورا در دستیابی به این هدف پیش روی خود دارد، می‌تواند برای سیستم کنونی دادرسی اساسی در ایران آموزنده باشد.

۱. گستردگی و گوناگونی آرای شورای قانون اساسی

آرای شورای قانون اساسی را می‌توان به شیوه‌های گوناگون دسته‌بندی کرد. در این بخش دسته‌بندی خود را نه بر پایه پیامد یا برونداد رأی (تأیید یا رد ماهیت قانونی،^{۱۴} ابطال قانون،^{۱۵} رد ساده درخواست^{۱۶} یا پذیرش سازگاری مشروط)^{۱۷} که براساس متنی که سازگاری آن با قانون اساسی به چالش کشیده شده است، قرار می‌دهیم. از این رو، نخست کنترل پیشینی و پس از آن کنترل پسینی را بررسی می‌کنیم.

۱-۱. سازگاری قوانین با قانون اساسی (کنترل پیشینی)^{۱۸}

در نظام حقوقی فرانسه نظارت بر سازگاری قوانین با قانون اساسی دارای دو ویژگی بنیادی است؛ نخست آنکه، در این زمینه واژه قانون^{۱۹} دربرگیرنده سه گروه از متن‌های قانونی است؛ دوم آنکه، در مقایسه با نظام قانونگذاری ج.ا.ا. که شورای نگهبان باید ناسازگار نبودن همه قوانین با قانون اساسی را تأیید کند، در فرانسه همه قوانین پیش از امضای رئیس کشور^{۲۰} برای سازگاری با قانون اساسی ارزیابی نمی‌شوند.

۱-۱-۱. سازگاری قوانین ساختاری با قانون اساسی

در نظام قانونگذاری فرانسه، سه گونه قانون وجود دارد؛ نخست، قانون اساسی که دربردارنده قواعد ویژه ساختار قدرت عمومی، ارزش‌ها و آزادی‌های بنیادین است.^{۲۱} پس از آن، قانون ساختاری^{۲۲} قرار دارد که در زمینه‌های مهمی مانند انتخابات، بودجه‌بندی، برنامه‌ریزی و دیگر به تصویب می‌رسد. نیاز به تصویب چنین قوانینی در قانون اساسی پیش‌بینی شده

است. بر پایه مواد ۴۶ و ۶۱ قانون اساسی، شورای قانون اساسی به شیوه خودکار سازگاری قانون ساختاری با قانون اساسی را بررسی می‌کند.

۱-۲. سازگاری قوانین عادی با قانون اساسی

پس از تصویب قانون عادی رئیس کشور می‌تواند آن را امضا کند تا قانون قدرت اجرایی پیدا کند، مگر آنکه یکی از کسانی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده است، یعنی رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس ملی، رئیس مجلس سنا، شصت تن از نمایندگان مجلس یا سناتورها، از شورای قانون اساسی درخواست کنند^{۲۳} تا درباره سازگاری قانون عادی با قانون اساسی و دیگر نرم‌های پیش‌بینی شده نظر دهد.^{۲۴} این نرم‌ها در پنج دسته از متن‌های حقوقی وجود دارند و شورا در آرای خود به آن‌ها استناد می‌کند. نخست، قانون اساسی ۱۹۵۸ (جمهوری پنجم) و اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ که تا کنون بیشتر از هر متنی در دادرسی اساسی به آن‌ها استناد شده است. سپس، اصول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نوشته شده در دیباچه قانون اساسی ۱۹۴۶ (جمهوری چهارم)، اصول بنیادین که در قوانین دوره‌های جمهوری (اول، دوم و سوم) آمده‌اند و در پایان، منشور زیست‌بوم^{۲۵} که در سال ۲۰۰۵ در قانون اساسی گنجانده شد (Favreau et al., 2019: 137).

۱-۳. سازگاری معاهده‌های بین‌المللی با قانون اساسی

معاهده‌های بین‌المللی مانند قوانین عادی می‌توانند از سوی شورای قانون اساسی بررسی شوند تا سازگاری آن‌ها با نرم‌های پیش‌بینی شده ارزیابی شود. رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس ملی، رئیس مجلس سنا، شصت تن از نمایندگان مجلس یا سناتورها کسانی هستند که حق دارند چنین درخواستی را به شورا بدهند. اگر شورا معاهده‌ای را ناسازگار با قانون اساسی و دیگر نرم‌های پیش‌بینی شده^{۲۶} بداند، تنها راه پذیرش و پیوستن به آن معاهده بازبینی قانون اساسی خواهد بود، مگر آنکه دولت از پیوستن به آن خودداری کند.^{۲۷} در این‌جا، سنجه سازگاری همان نرم‌هایی هستند که در مورد قوانین عادی مورد استناد قرار می‌گیرند.

۱-۴. سازگاری آیین‌نامه‌های داخلی مجلس ملی^{۲۸}، مجلس سنا^{۲۹} یا

کنگره^{۳۱} با قانون اساسی

آیین‌نامه داخلی^{۳۱} مجلس نمایندگان اهمیت زیادی دارد، زیرا برخلاف نامش نه در گروه مقررات^{۳۲} که در دسته قوانین قرار می‌گیرد و چون سازوکار نهاد قانونگذاری را بیان می‌کند، از جایگاه قانون ساختاری برخوردار خواهد بود. از همین روست که تصویب یا بازبینی آیین‌نامه باید سازگار با قانون اساسی باشد و به شکل خودکار از سوی شورا تأیید شود.

۲-۱. درخواست فوری بررسی سازگار بودن قانون عادی با قانون اساسی^{۳۳} (کنترل پسینی)

اگر در فرایند رسیدگی به دعوی یکی از طرفین ادعا کند که قانون عادی مورد استناد دادگاه (نخستین یا تجدیدنظر) حقوق و آزادی‌های بنیادین یا پیمان‌های جهانی را نقض می‌کند، دادگاه رسیدگی به این ادعا را در دعوی اداری به شورای دولتی^{۳۴} و در دعوی قضایی به دیوان عالی^{۳۵} کشور می‌سپارد. اگر این دو نهاد عالی‌رتبه ادعای ناسازگار بودن آن قانون با قانون اساسی را بپذیرند،^{۳۷} از شورای قانون اساسی درخواست می‌کنند تا در این درباره رأی صادر کند.^{۳۸}

۳-۱. رسیدگی به اختلاف میان دولت و پارلمان در زمینه قانونگذاری^{۳۹}

در این زمینه دو دسته تصمیم وجود دارد؛ دسته نخست، به بازبینی قانون از راه مقررات مربوط می‌شود و دسته دوم به همکاری دولت و پارلمان در قانونگذاری. پیشتر گفتیم که در نظام حقوقی فرانسه سه گونه قانون اساسی، ساختاری و عادی وجود دارند که هر یک به شیوه پیش‌بینی شده نرم‌های قانونی را در خود جای می‌دهند. پس از قانون، مقررات وجود دارد که برای تکمیل و پیاده‌سازی قانون از سوی دستگاه اجرایی تصویب می‌شود و دربرگیرنده آیین‌نامه، بخشنامه، تصویب‌نامه و دستورالعمل است. برای پیشگیری از آشفتگی سیاسی و حقوقی، اموری که گستره و چارچوب آن باید از سوی قانونگذار و به شکل قانون معین شوند، مانند مالیات، آموزش، دفاع ملی، بزه و کیفر و... در قانون اساسی نام برده شده‌اند.^{۴۰} امور دیگری که قانون اساسی درباره آن‌ها ساکت است، باید در مقررات تعریف و مشخص شوند.^{۴۱} این دسته‌بندی صلاحیت مثبت و منفی هنجار و هنجارگذار را به دنبال داشته است. از یک سو، قانون باید آنچه را که باید درباره موضوع ویژه گفته شود، دربر داشته باشد (صلاحیت مثبت)؛^{۴۲} در کنار آن، قانون نباید دربردارنده قواعدی در آن موضوع باشد که از درجه اهمیت مقررات است (صلاحیت منفی)،^{۴۳} زیرا در یک موضوع هم قاعده دارای اهمیت قانونی داریم و هم قاعده دارای اهمیت مقررات. همانند قانون، مقررات نیز دارای صلاحیت منفی و مثبت‌اند. همین صلاحیت‌ها درباره هنجارگذار نیز وجود دارند. به بیان بهتر، قانونگذار نباید به تصویب قانونی بپردازد که قواعدی از جنس مقررات را در خود داشته باشد و دستگاه اجرایی نیز نباید قواعد با درجه اهمیت قانون را در مقررات بگنجانند.

با آنکه بازبینی قانون در صلاحیت پارلمان است، قانون اساسی ۱۹۵۸ راهکاری را پیش‌بینی کرده که براساس آن دولت می‌تواند یک قانون را از طریق مقررات تغییر دهد.^{۴۴} برای این کار دولت باید از شورای قانون اساسی بخواهد تا نظر دهد آیا قانون کنونی ماهیت مقررات دارد یا

خیر.^{۴۵} در این جا، شورا به «کنترل ویژگی قانونی» متن مورد اختلاف می‌پردازد (Favoreu, 1986: 612). فایده عملی این راهکار هنگام کدبندی در زمینه‌ای ویژه مانند مالیات، دادرسی اداری، ساخت‌وساز، شهرسازی و... خود را نشان می‌دهد. برای گردآوری این کدها قوانین موجود کنار هم گذاشته می‌شوند و مواد نسخ‌شده یا لغوشده را از آن می‌زدایند تا پارلمان مجموعه کد را تصویب کند. از آن جا که این کدها دارای دو بخش قوانین و مقررات هستند، ممکن است دولت باور داشته باشد که متنی که بیشتر قانون به‌شمار می‌آمده است، اکنون ماهیت مقررات دارد و باید در بخش مقررات قرار گیرد.

در دو مورد اختلاف در کار قانونگذاری به تصمیم شورا خواهد انجامید: نخست، هنگامی که هیأت رئیسه پارلمان، به دلیل ناسازگاری لایحه قانونی با قانون ساختاری از دریافت و قرار دادن آن در دستور کار خودداری کند، نخست‌وزیر می‌تواند از شورا بخواهد تا در این باره رأی دهد؛^{۴۶} دوم، جایی که در فرایند قانونگذاری دولت یا رئیس پارلمان درباره قابل طرح بودن یک پیشنهاد یا اصلاحیه از سوی نمایندگان (ماهیت قانون نداشتن) دچار اختلاف شوند، شورا در این باره تصمیم خواهد گرفت.^{۴۷}

۴-۱. پاسداری از صلاحیت قانونگذاری سرزمین‌های فراسوی دریاها

برخی از این واحدهای سرزمینی (پلی‌نزی، سنت-بارتلمی، سنت-مارتین) دارای صلاحیت قانونگذاری در برخی زمینه‌ها هستند. اگر پارلمان فرانسه قانونی تصویب کند که در صلاحیت این واحدهای سرزمینی است، می‌توان از شورا درخواست بررسی و تصمیم‌گیری کرد.^{۴۸} درباره سرزمین کالدونیای جدید، شورا صلاحیت دارد قوانینی را که مجلس شورای آن سرزمین تصویب می‌کند، پیش از امضا، بررسی کند.^{۴۹}

۲. فرایند دادن رأی و ساختار آرای شورای قانون اساسی

در این جا نخست فرایند تصمیم‌گیری و سپس ساختار آرای شورا بررسی می‌شود. چنانکه خواهیم دید، فرایند تصمیم‌گیری از آن رو مهم است که بر استدلال‌های بیشتر و فهم‌پذیری بهتر آرا اثر مستقیم دارد.

۲-۱. فرایند دادن رأی

فرایند دادن رأی دربرگیرنده بازه‌های زمانی و نشست صدور رأی است که به آن می‌پردازیم.

۲-۱-۱. بازه‌های زمانی

در قانون اساسی بازه‌های زمانی گوناگونی برای رسیدگی شورا پیش‌بینی شده‌اند که از هشت روز تا یک ماه در نوسان است. در زمینه قانونگذاری این بازه یک ماه است، اما اگر دولت

درخواست رسیدگی فوری کند، بازه زمانی تا هشت روز کاهش خواهد یافت.^{۵۰} کوتاه بودن زمان رسیدگی دو پیامد دارد: کتبی بودن رسیدگی و نقش مهم دادرسی اساسی در رسیدگی. از آنجا که نه در قانون و نه در رویه شورا حضور وکیل در دادرسی پیش‌بینی نشده است، دادرسی کتبی است، بدین معنا که شورا نخست لایحه^{۵۱} خواهان (دربردارنده دلایل و مستندات درخواست) و سپس، لایحه دولت را (در پاسخ به دلایل خواهان) بررسی می‌کند. در نگاه نخست، این فرایند توافقی به نظر نمی‌رسد، اما در مورد کنترل پیشینی، کتبی بودن به معنای شنیده نشدن دلایل دو طرف نیست، زیرا موافقان و مخالفان یک لایحه یا طرح قانونی پیشتر در پارلمان یا رسانه‌ها دلایل خود را به گوش دیگران می‌رسانند. از سال ۱۹۷۴ که بازبینی قانون اساسی به نمایندگان پارلمان صلاحیت داد تا ذی‌نفع در دادرسی اساسی (سازگاری قانون عادی با قانون اساسی) باشند، نه تنها دلایل و استدلال‌های حقوقی بیان‌شده روزبه‌روز بهتر و دقیق‌تر شده‌اند، بلکه استناد به رویه شورای قانون اساسی نیز افزایش یافته است (Favoreu, 1986: 613).

در فرایند دادرسی اساسی، دادرسی اختیارات گسترده‌ای در تشکیل پرونده و رسیدگی به آن دارد. این شیوه همانند شیوه دادرسی اداری در فرانسه است. رئیس شورا یکی از اعضا را به‌عنوان گزارشگر^{۵۲} برمی‌گزیند.^{۵۳} او با کمک بخش حقوقی شورا درخواست و لایحه خواهان، مستندات و دلایل و پاسخ داده‌شده به آن‌ها، گفت‌وگوهای پارلمانی، قوانین، آموزه‌های حقوقی، رویه شورا و گزارش‌های اداری را آماده می‌کند تا پرونده را تشکیل دهد. پس از آن گزارشگر نتیجه‌گیری و نظر خود را به شکل پیش‌نویس رأی^{۵۴} به نگارش درمی‌آورد که پایه بحث و گفت‌وگو در نشست شورا خواهد بود.

۲-۱-۲. نشست رأی

برای رسمیت یافتن این نشست دست‌کم هفت عضو باید حاضر باشند، مگر آنکه فورس ماژور وجود داشته باشد.^{۵۵} چون رسیدگی عمومی نیست، گزارشگر با خواندن گزارش خود و دفاع از آن نشست را آغاز می‌کند. پس از آن، اعضای شورا بحث را درباره جزئیات و به‌ویژه رأی نهایی به پیش می‌برند. پس از آن، نگارش بخش‌های دیگر رأی را یک به یک به بحث می‌گذارند. اگر اعضا بر سر متن پیشنهادی گزارشگر هم‌نظر نباشند، رأی‌گیری می‌شود تا نظر اکثریت مطلق پذیرفته شود. در صورت برابری آرای موافق و مخالف، رأی رئیس شورا تعیین‌کننده خواهد بود (Rousseau et al., 2016: 330). به دلیل پاسداری از استقلال نهاد دادرسی، رأی‌گیری مخفی است و نام موافقان و مخالفان در متن رأی آورده نمی‌شود.^{۵۶} بر همین اساس، ویژگی دیگر آرای شورا، در سنجش با دیوان اساسی فدرال آلمان یا دیوان عالی فدرال آمریکا، این است که رأی اقلیت یا فردی اعضای شورا در رأی نهایی آورده نمی‌شود.^{۵۷}

۲-۲. ساختار آرای شورای قانون اساسی

آرای شورای قانون اساسی همیشه به یک شیوه نگاشته نشده‌اند. در سال‌های آغازین کار شورا و تا مدت‌ها پس از آن، چون ریاست و برخی سمت‌های شورا مانند مدیر کل به قضات شورای دولتی^{۵۸} سپرده شده بود، شیوه نگارش رأی نیز مانند دادگاه‌های اداری کوتاه و با توضیحات اندک بود. از این دیدگاه، آرای شورا با آرای دادگاه‌های اساسی آلمان، اتریش، اسپانیا و ایتالیا یا دادگاه فدرال آمریکا همسان نبودند. بازبینی قانون اساسی در سال ۱۹۷۴ و صلاحیت یافتن نمایندگان پارلمان برای درخواست کنترل پیشینی سبب شد تا هم شمار درخواست رسیدگی افزایش یابد و هم نمایندگان در لایحه و مستندات خود استدلال‌های حقوقی و قانونی بیشتری بیاورند. همزمان، شورا نیز به افزایش استدلال‌ها و توضیحات در آرای خود گرایش بیشتری نشان داد (Favoreu, 1986: 615). با افزایش بخش استدلالی و حقوقی و کنار گذاشتن سبک رأی‌نویسی دادگاه‌های اداری، شورا سبک استدلالی-آموزشی را در پیش گرفت.^{۵۹} البته این شیوه نیز چندان حقوقدانان و متخصصان حقوق اساسی را خرسند نمی‌کرد. سه کاستی بزرگی را که در این شیوه دیده می‌شد، می‌توان کوتاه برشمرد (Baranger, 2012: 3-4):

۱. گزینه‌گویی یا اندک بودن دلایل/استدلال؛^{۶۰}

۲. یکنواختی دلایل/استدلال؛^{۶۱}

۳. تضاد یا ناسازگاری دلایل/استدلال.^{۶۲}

چنانکه خواهیم دید، این کاستی‌ها تا اندازه زیادی برطرف شده‌اند. آرای شورا در زمینه قانونگذاری ساختاری شش‌بخشی دارند که در زیر به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱. درخواست رسیدگی^{۶۳}

نخستین بند رأی درباره درخواست رسیدگی است که در آن نام درخواست‌کنندگان، تاریخ و موضوع درخواست (سازگاری قوانین با قانون اساسی یا بررسی فوری سازگار بودن قانون عادی با قانون اساسی) آورده می‌شود.^{۶۴} در مورد قوانین ساختاری و آیین‌نامه داخلی مجالس قانونگذاری به ترتیب نخست‌وزیر و رئیس آن مجلس متن قانون را برای کنترل به شورا می‌فرستد.^{۶۵}

۲-۲-۲. بنیادهای قانونی یا مستندات^{۶۶}

در این بخش، شورا نخست صلاحیت قانونی خود برای رسیدگی (قانون اساسی، قانون ساختاری درباره شورای قانون اساسی)^{۶۷} را یادآوری می‌کند. پس از آن، مستندات قانونی که مورد اختلاف قرار گرفته است، بیان می‌شوند. سپس آرای که شورا پیشتر درباره قانون مورد اختلاف داده

است و نیز استدلال‌های شخص یا اشخاص درخواست‌کننده رسیدگی را می‌آورد. این بخش به خواننده کمک می‌کند تا با قوانین و رویه شورا درباره موضوع مورد اختلاف آشنا شود.

۲-۲-۳. موضوع شکایت^{۶۸}

در کنترل پیشینی شورا نخست شکایت درخواست‌کنندگان برای بررسی سازگاری قانون با قانون اساسی را بیان می‌کند. البته باید یادآوری کرد که براساس ماده ۶۱ قانون اساسی شورا تنها به بررسی مواد مورد شکایت در قانون نمی‌پردازد، بلکه تمام آن قانون را بررسی خواهد کرد. از این رو ممکن است شورا موادی از قانون را که مورد اعتراض نبوده است، بررسی و ناسازگار با قانون اساسی اعلام کند. در کنترل پسینی شورا نخست موادی از قانون را، که بررسی آن از سوی شورای دولتی یا دیوان عالی کشور درخواست شده است، برمی‌شمارد. پس از آن، موضوع شکایت را یادآوری می‌کند. در این گونه از کنترل، تنها موادی بررسی می‌شوند که در درخواست آمده‌اند و شورا از بررسی موارد دیگر خودداری می‌کند، اما می‌تواند جدا از موضوع طرح‌شده در شکایت، خود موضوع دیگری^{۶۹} را برای کنترل اعلام کند (Rousseau et al., 2016: 342-343).

۲-۲-۴. استدلال‌های رأی^{۷۰}

در این بخش از رأی، شورا سازگاری مواد قانون با قانون اساسی را یک به یک بررسی می‌کند. در هر مورد، شورا استدلال‌های خواهان یا دلایلی را که خود برای ناسازگاری با قانون اساسی پیدا کرده است، بیان می‌کند. در این جا، شیوه استدلال چنین است:

- یادآوری مبنای حقوقی اصل قانون اساسی مورد نظر؛
- گسترش آن اصل حقوقی به ماده قانونی مورد شکایت. این بخش از رأی ممکن است چند بند را در برگیرد؛
- ارزیابی سازگاری یا ناسازگاری ماده قانونی با قانون اساسی.

۲-۲-۵. پیامدهای رأی در کنترل پسینی

اگر در کنترل پسینی شورا رأی به ناسازگاری قانون عادی با قانون اساسی بدهد، از زمان انتشار دیگر آن قانون نسخ شده است، مگر آنکه شورا در رأی خود تاریخ دیگری را برای نسخ معین کرده باشد. همچنین شورا می‌تواند تعیین کند از چه زمانی پیش از رأی آثار ایجادشده توسط قانون به چالش کشیده می‌شوند.

۲-۲-۶. متن رأی^{۷۱}

سبک نگارش یا ساختار رأی را، که از دیدگاه منطقی برگرفته از شیوه قیاسی^{۷۲} است، می‌توان چنین کوتاه کرد: شورا نخست متن قانونی مورد اختلاف را می‌آورد. پس از آن، موضع

شکایت خواهان را به کوتاهی و بدون بیان دفاعیات دولت بیان می‌کند. پس از بیان این مقدمه (صغرای رأی)^{۷۳}، شورا اصل یا قاعده اساسی در این زمینه را به همراه تفسیر خود از آن می‌آورد (کبرای رأی)^{۷۴}. سپس، نتیجه‌گیری یا همان رأی بیان می‌شود که یکی از چهار پیامد زیر را خواهد داشت:

- قانون مورد اختلاف ناسازگار یا مغایر با قانون اساسی است؛
- قانون مورد اختلاف هیچ‌یک از اصول اساسی را نادیده نگرفته است؛
- درخواست خواهان از دلایل کافی برخوردار نیست؛
- قانون مورد اختلاف، به شرط آنکه براساس تفسیر شورا اجرا شود، با هیچ‌یک از اصول اساسی در تعارض نیست (Viala, 1999: 22).

البته، شورای قانون اساسی به شیوه‌ای فرانسوی استدلال یعنی استدلال قیاسی^{۷۵} باور داشت که برخی آن را سست یا کم‌توان^{۷۶} می‌دانستند (Baranger, 2012: 10)، اما آرای شورا موجه بودند. این کاستی سبک، ریشه در واقعیت‌های زیر داشت:

۱. شورا برای رأی خود دلایلی داشت، اما همه آن را بیان نمی‌کرد. این کم‌گویی تا اندازه‌ای ریشه در سنت حقوق رومی دارد که کوتاه‌نویسی^{۷۷} را هنر می‌داند. آرای دادگاه‌های قضایی و به‌ویژه رویه دادگاه‌های اداری، که در شکل‌گیری سنت نگارش آرای شورا نقش داشته‌اند، دارای چنین ویژگی هستند.^{۷۸}

۲. کارنامه خوب شورا در جمهوری پنجم سبب شد تا برخی کاستی‌هایش نادیده گرفته شود. آرای شورا به افزایش کیفیت قوانین و فرایند قانونگذاری، برگزاری درست انتخابات، شناسایی ارزش‌ها و اصول حقوقی ویژه فرانسه و چارچوب‌بندی دادرسی اساسی انجامید. این کارنامه درخشان سبب شد تا شیوه برگزیدن اعضای شورا یا سستی برخی استدلال‌ها نادیده گرفته شود.

۳. کارویژه یا سمت دادرسی اساسی^{۷۹} محدودیت‌هایی را در پی دارد؛ نخست آنکه، دادرسی اساسی نمی‌خواهد با استدلال‌های بلندبالا ناخواسته به سود یا زیان یک گروه سیاسی جبهه‌گیری کرده باشد؛ دوم آنکه، نام این دادگاه شورا است، اما مشورت نمی‌دهد، یعنی با آرای خود به تفسیر قانون اساسی و دیگر سرچشمه‌های دادرسی اساسی می‌پردازد و بیرون از این دایره قانون را تفسیر نمی‌کند. اعضای شورا ردای قضاوت می‌پوشند و خود را در جایگاه آموزگاران حقوق و مفسران رویه قضایی نمی‌بینند (Baranger, 2012: 10-13).

۳. بازبینی درون‌مایه آرای شورا و ارزیابی آن

تا پیش از بازبینی سال ۲۰۱۶، که شورا تصمیم گرفت شیوه و ساختار آرای خود را استدلالی‌تر و فهم‌پذیرتر کند، بخشی از آرای شورا تا اندازه‌ای کوتاه و گزیده بودند، اما این

ویژگی همیشگی، ساختاری و درون‌مایه‌ای نبود. نخست آنکه، با گذشت زمان شورا هر جا که نیاز بود و خواسته مهم به‌شمار می‌رفت، آرای بلندتری داده است. دیگر آنکه، جدای از افزایش بخش استدلالی هر رأی، بخشی از استدلال‌ها نیز بیرون از متن رأی آورده شده‌اند. با این همه، شورا به همه هدف خود نرسیده است، زیرا افزایش استدلال همان اندازه که برای فهم‌پذیری و خوانایی آرا نیاز است، به‌سختی با بازه زمانی کوتاه و رسیدگی گروهی به دعاوی سازگار است.

۳-۱. استدلال در آرای شورا

براساس قانون ارگانیک درباره شورای قانون اساسی^{۸۰}، آرای این نهاد باید مستدل باشند. این اصل یا بایسته هم درباره کنترل پیشینی قوانین^{۸۱} و هم درباره کنترل پسینی قوانین^{۸۲}، کنترل ویژگی قانونی قانون^{۸۳}، کنترل ماده ۴۱ قانون اساسی (ادعای دولت یا رئیس پارلمان درباره قابل طرح نبودن یک پیشنهاد یا اصلاحیه از سوی نمایندگان در فرایند قانونگذاری به‌دلیل نداشتن ماهیت قانون)^{۸۴}، دعاوی انتخاباتی^{۸۵} یا همه‌پرسی تقنینی^{۸۶} باید رعایت شود. در مواد این قانون ساختاری هیچ ویژگی‌ای برای اندازه و شیوه استدلال آورده نشده است. از همین روست که شورا با گرت‌برداری یا پیروی از شیوه دادگاه‌های اداری^{۸۷} و براساس دستور «کم‌گویی و گزیده‌گویی»^{۸۸} آرای خود را با استدلال‌های اندک منتشر می‌کند.^{۸۹} شورا در دو بخش از متن هر رأی باید استدلال‌های خود را بیان کند: نخست، هنگام بررسی نرم‌ها یا اصول حقوقی مورد استناد و دوم، هنگام بررسی سازگاری قانون با قانون اساسی.^{۹۰}

شورای قانون اساسی، مانند هر نهاد قضایی دیگر، استدلال را با دو هدف در آرای خود به‌کار می‌برد: نخست، توجیه راهکاری که برای پایان دادن به دعوا انتخاب شده است و دوم، فهمیده شدن رأی توسط گروه بزرگی که دربرگیرنده ذی‌نفع‌ها، حقوقدان‌ها و شهروندان از یک سو و دادگاه‌ها (دیوان عالی کشور، شورای دولتی و دیگر دادگاه‌ها)، پارلمان و دولت از سوی دیگر است. از این‌رو، رأی شورا باید جدای از ویژگی مستدل بودن، آموزنده نیز باشد. در زمینه کنترل پیشینی، شورا تا آن‌جا پیش می‌رود که برخی پیشنهادها برای جایگزینی ماده یا قانون ناسازگار با قانون اساسی را پیشنهاد می‌دهد (Guillaume, 2013: 50-51).

با گذشت زمان، پژوهش‌های هم‌سنجانه و ارزیابی بخشی از آموزه حقوقی نشان دادند که یکی از کاستی‌های مهم آرای دادگاه‌ها گزیده‌گویی است. به بیان بهتر، اصل استدلالی بودن آرا دربردارنده ویژگی‌هایی مانند «فراگیری»^{۹۱}، قابل فهم بودن^{۹۲}، خوانایی [نشانگر راه درست]^{۹۳} و سادگی^{۹۴} رأی است (Charité, 2017: 3). این مسئله نخست شورای دولتی و سپس شورای قانون اساسی را بر آن داشت تا از ماه می ۲۰۱۶ شیوه نوینی را در نگارش آرا به‌کار گیرند. نخستین رأی از این دست درباره سازگاری قانون مالیاتی کالدونیای جدید با قانون اساسی

(کنترل پسینی) بود.^{۹۵} از بیانیه کوتاه رئیس شورا^{۹۶} (یک روز پس از صدور این رأی) یا شرح شورا بر همان رأی^{۹۷} می‌توان دلایل و هدف‌های این نوآوری و برگزیدن شیوه پایدار نگارش آرا را به ترتیب «خوانش آسان‌تر و افزایش استدلال‌های آرا»^{۹۸} و «افزایش قابلیت فهم و خوانایی آرا و استدلال‌های بیشتر و بهتر»^{۹۹} دانست. ^{۱۰۰} آنچه این دگرگونی شیوه استدلال و نگارش را چشمگیرتر می‌کند، تفسیر نوین شورا از چگونگی انجام کارویژه خود است. در اینجا، شورا نه بر پایه اصل «صلاحیت در تعیین صلاحیت»^{۱۰۱} که براساس تفسیری کارآمدتر از ویژگی مستدل بودن رأی^{۱۰۲} دست به دگرگونی شیوه کار خود زد.

۲-۳. پیامدهای شیوه نوین نگارش آرای

اگرچه شیوه نوین نگارش به فهم‌پذیری بیشتر آرا انجامیده، افزایش استدلال در آرا چالش‌هایی هم در پی داشته است.

۳-۲-۱. کامیابی‌ها: فهم‌پذیری بیشتر

بازبینی شیوه نگارش آرای شورای قانون اساسی از دو نظر سودمند خواهد بود؛ نخست آنکه، پاسخی شایسته برای ایراد کوتاه‌گویی است؛ دوم آنکه، این راهکار دستیابی به دو هدف بهبود استدلال و افزایش فهم‌پذیری و خوانایی آرای شورا را آسان خواهد کرد.

۳-۲-۱-۱. پایان کوتاه‌گویی

از جنبه محتوایی یا درون‌مایه، کوتاه‌گویی سبب سستی استدلال‌های به‌کاررفته در آرا نمی‌شود، بلکه همه استدلال‌ها را در دو یا چند گزاره کوتاه بیان می‌کند. البته با گذشت زمان شورای قانون اساسی آرای کوتاه کمتری صادر کرده، اما هنوز نتوانسته است مانند همتای آلمانی خود آرای بلندبالا بدهد (Hochmann, 2017: 23).^{۱۰۳} از جنبه ساختار یا فرم، کوتاه‌گویی نمایانگر گونه‌ای از سبک اقتدارگرایانه^{۱۰۴} است که در آن قاضی گزاره‌های خدشه‌ناپذیر را اعلام می‌کند. این سبک نگارش با گزاره‌های کوتاه و کاربرد واژگان «بنابر، با در نظر گرفتن»^{۱۰۵} یا «با توجه به اینکه»^{۱۰۶} خود را نشان می‌دهد. این ویژگی سبب شده است تا شورای قانون اساسی در تارنمای رسمی خود^{۱۰۷} یا در مجله خود^{۱۰۸}، برای هر رأی پرونده‌ای دربردارنده متن و چکیده رأی، اعلامیه‌ها، اسناد، تاریخچه و «تفاسیر مجاز»^{۱۰۹} از رأی باز کند.^{۱۱۰} این کار جدای از ویژگی آموزشی و علمی گاه رنگ و بوی «استدلال بیرونی و تکمیلی» به خود می‌گیرد (Baranger, 2012: 34). هرچند، در نبود نتیجه‌گیری، نظر اقلیت قضات یا گزارش‌های مربوط به پرونده، به‌سختی می‌توان این تفاسیر مجاز را بخشی از استدلال به‌شمار آورد (Mathieu, 2005: 923).

تا پیش از بازبینی سال ۲۰۱۶، که شورا تصمیم گرفت شیوه و ساختار آرای خود را استدلالی تر و فهم پذیرتر کند، بخشی از آرای شورا تا اندازه‌ای کوتاه و گزیده بودند، اما این ویژگی همیشگی، ساختاری و درون‌مایه‌ای نبود. نخست آنکه، با گذشت زمان شورا هر جا که نیاز بود و خواسته مهم به‌شمار می‌رفت، آرای بلندتری داده است. دیگر آنکه، جدای از افزایش بخش استدلالی هر رأی، بخشی از استدلال‌ها نیز بیرون از متن رأی آورده شده‌اند. با این همه، شورا به همه هدف خود نرسیده است، زیرا افزایش استدلال همان اندازه که برای فهم‌پذیری و خوانایی آرا نیاز است، به‌سختی با بازه زمانی کوتاه و رسیدگی گروهی به دعاوی سازگار است.

۳-۱. استدلال در آرای شورا

براساس قانون ارگانیک درباره شورای قانون اساسی^{۱۱۱}، آرای این نهاد باید مستدل باشند. این اصل یا بایسته هم درباره کنترل پیشینی قوانین^{۱۱۲} و هم درباره کنترل پسینی قوانین^{۱۱۳}، کنترل ویژگی قانونی قانون^{۱۱۴}، کنترل ماده ۴۱ قانون اساسی (ادعای دولت یا رئیس پارلمان درباره قابل طرح نبودن یک پیشنهاد یا اصلاحیه از سوی نمایندگان در فرایند قانونگذاری به دلیل نداشتن ماهیت قانون)^{۱۱۵}، دعاوی انتخاباتی^{۱۱۶} یا همه‌پرسی تقنینی^{۱۱۷} باید رعایت شود. در مواد این قانون ساختاری هیچ ویژگی‌ای برای اندازه و شیوه استدلال آورده نشده است. از همین روست که شورا با گرده‌برداری یا پیروی از شیوه دادگاه‌های اداری^{۱۱۸} و براساس دستور «کم‌گویی و گزیده‌گویی»^{۱۱۹} آرای خود را با استدلال‌های اندک منتشر می‌کند.^{۱۲۰} شورا در دو بخش از متن هر رأی باید استدلال‌های خود را بیان کند: نخست، هنگام بررسی نرم‌ها یا اصول حقوقی مورد استناد و دوم، هنگام بررسی سازگاری قانون با قانون اساسی.^{۱۲۱}

شورای قانون اساسی، مانند هر نهاد قضایی دیگر، استدلال را با دو هدف در آرای خود به‌کار می‌برد: نخست، توجیه راهکاری که برای پایان دادن به دعوا انتخاب شده است و دوم، فهمیده شدن رأی توسط گروه بزرگی که دربرگیرنده ذی‌نفع‌ها، حقوقدان‌ها و شهروندان از یک سو و دادگاه‌ها (دیوان عالی کشور، شورای دولتی و دیگر دادگاه‌ها)، پارلمان و دولت از سوی دیگر است. از این رو، رأی شورا باید جدای از ویژگی مستدل بودن، آموزنده نیز باشد. در زمینه کنترل پیشینی، شورا تا آن‌جا پیش می‌رود که برخی پیشنهادها برای جایگزینی ماده یا قانون ناسازگار با قانون اساسی را پیشنهاد می‌دهد (Guillaume, 2013: 50-51).

با گذشت زمان، پژوهش‌های هم‌سنجانه و ارزیابی بخشی از آموزه حقوقی نشان دادند که یکی از کاستی‌های مهم آرای دادگاه‌ها گزیده‌گویی است. به بیان بهتر، اصل استدلالی بودن آرا دربردارنده ویژگی‌هایی مانند «فراگیری»^{۱۲۲}، قابل فهم بودن^{۱۲۳}، خوانایی [نشانگر راه درست]^{۱۲۴} و سادگی^{۱۲۵} رأی است (Charité, 2017: 3). این مسئله نخست شورای دولتی و سپس

شورای قانون اساسی را بر آن داشت تا از ماه می ۲۰۱۶ شیوه نویسی را در نگارش آرا به کار گیرند. نخستین رأی از این دست درباره سازگاری قانون مالیاتی کالدونیای جدید با قانون اساسی (کنترل پسینی) بود.^{۱۲۶} از بیانیه کوتاه رئیس شورا^{۱۲۷} (یک روز پس از صدور این رأی) یا شرح شورا بر همان رأی^{۱۲۸} می‌توان دلایل و هدف‌های این نوآوری و برگزیدن شیوه پایدار نگارش آرا را به ترتیب «خوانش آسان‌تر و افزایش استدلال‌های آرا»^{۱۲۹} و «افزایش قابلیت فهم و خوانایی آرا و استدلال‌های بیشتر و بهتر»^{۱۳۰} دانست. ^{۱۳۱} آنچه این دگرگونی شیوه استدلال و نگارش را چشمگیرتر می‌کند، تفسیر نوین شورا از چگونگی انجام کارویژه خود است. در اینجا، شورا نه بر پایه اصل «صلاحیت در تعیین صلاحیت»^{۱۳۲} که براساس تفسیری کارآمدتر از ویژگی مستدل بودن رأی^{۱۳۳} دست به دگرگونی شیوه کار خود زد.

۲-۳. پیامدهای شیوه نویسی نگارش آرای

اگرچه شیوه نویسی نگارش به فهم‌پذیری بیشتر آرا انجامیده، افزایش استدلال در آرا چالش‌هایی هم در پی داشته است.

۳-۲-۱. کامیابی‌ها: فهم‌پذیری بیشتر

بازبینی شیوه نگارش آرای شورای قانون اساسی از دو نظر سودمند خواهد بود؛ نخست آنکه، پاسخی شایسته برای ایراد کوتاه‌گویی است؛ دوم آنکه، این راهکار دستیابی به دو هدف بهبود استدلال و افزایش فهم‌پذیری و خوانایی آرای شورا را آسان خواهد کرد.

۳-۲-۱-۱. پایان کوتاه‌گویی

از جنبه محتوایی یا درون‌مایه، کوتاه‌گویی سبب سستی استدلال‌های به‌کاررفته در آرا نمی‌شود، بلکه همه استدلال‌ها را در دو یا چند گزاره کوتاه بیان می‌کند. البته با گذشت زمان شورای قانون اساسی آرای کوتاه کمتری صادر کرده، اما هنوز نتوانسته است مانند همتای آلمانی خود آرای بلندبالا بدهد (Hochmann, 2017: 23).^{۱۳۴} از جنبه ساختار یا فرم، کوتاه‌گویی نمایانگر گونه‌ای از سبک اقتدارگرایانه^{۱۳۵} است که در آن قاضی گزاره‌های خدشه‌ناپذیر را اعلام می‌کند. این سبک نگارش با گزاره‌های کوتاه و کاربرد واژگان «بنابر، با در نظر گرفتن»^{۱۳۶} یا «با توجه به اینکه»^{۱۳۷} خود را نشان می‌دهد. این ویژگی سبب شده است تا شورای قانون اساسی در تارنمای رسمی خود^{۱۳۸} یا در مجله خود^{۱۳۹}، برای هر رأی پرونده‌ای دربردارنده متن و چکیده رأی، اعلامیه‌ها، اسناد، تاریخچه و «تفاسیر مجاز»^{۱۴۰} از رأی باز کند.^{۱۴۱} این کار جدای از ویژگی آموزشی و علمی گاه رنگ و بوی «استدلال بیرونی و تکمیلی» به خود می‌گیرد (Baranger, 2012: 34). هرچند، در نبود نتیجه‌گیری، نظر اقلیت

قضات یا گزارش‌های مربوط به پرونده، به‌سختی می‌توان این تفاسیر مجاز را بخشی از استدلال به‌شمار آورد (Mathieu, 2005: 923).

اگرچه کوتاه‌گویی می‌تواند به هنر نگارش زیبا، یگانگی سبک و درستی استدلال حقوقی یک رأی بینجامد، چون امروزه دادگستری باید به نیازهای گسترده‌تری پاسخ دهد، فهم چنین آرای برای شهروندان ناآشنا با دانش حقوق^{۱۴۲} بسیار سخت خواهد بود (Charité, 2017: 7).

۲-۱-۲-۳. استدلال‌های بیشتر و فهم‌پذیری بهتر

گفتار و عملکرد شورای قانون اساسی از سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که بازبینی شیوه نگارش آرا دو هدف استدلال‌های بیشتر و فهم‌پذیری بهتر را دنبال می‌کند. هرچند در نگاه نخست ممکن است گمان کنیم این دو هدف بر یکدیگر اثرگذارند، در عمل استدلال بیشتر می‌تواند به فهم‌پذیری بهتر رأی بینجامد. البته هر دو هدف به ساده‌سازی^{۱۴۳} خوانش آرا خواهند انجامید. استدلال بیشتر بدین معناست که رأی باید کامل^{۱۴۴} باشد و ویژگی کامل بودن^{۱۴۵} رأی یعنی اینکه رأی دربرگیرنده همه دلایل مهم یا سازنده‌ای^{۱۴۶} باشد که قاضی به کمک و بر پایه آن‌ها تصمیم خود را گرفته است. چنین برداشتی با مفهوم «استدلال بسنده»^{۱۴۷} که از الزامات دادگاه‌ها در اتحادیه اروپایی است^{۱۴۸} و ریشه در حق بر دادرسی عادلانه^{۱۴۹} دارد، پیوند دارد.

فهم‌پذیری و خوانایی بدین معناست که رأی به اندازه کافی برای ذی‌نفع یک دعوا^{۱۵۰} (خواهان، خواننده و گواهان) قابل فهم باشد. البته در این‌جا ذی‌نفع تنها به معنای طرفین دعوا نیست، بلکه همه شهروندان را در برمی‌گیرد. چنین برداشتی، ریشه در آن دارد که پیشتر شورای قانون اساسی^{۱۵۱} فهم‌پذیری قانون^{۱۵۲} را یک ارزش یا هنجار قانون اساسی^{۱۵۳} شناخته است (Carcassonne, 2008: 140). به بیان بهتر، بدون قانون فهم‌پذیر برای همگان نمی‌توان رأیی با چنین ویژگی صادر کرد. اگر قرار است دولت قانون‌مدار^{۱۵۴} درست کار کند، نه تنها قانون، بلکه «همه آنچه حقوق را می‌سازد یعنی قوانین [عادی و] اساسی، قراردادهای بین‌المللی، تصمیم‌های دادگاه‌ها، اعمال اداری، عمومی و خصوصی باید فهم‌پذیر باشند» (Malaurie, 2005: 131). پیامد چنین دیدگاهی آن است که شورای قانون اساسی باید بر ویژگی‌هایی مانند فهم‌پذیری قانون نیز نظارت کند.

برای فهم بهتر آرا، شورا برخی واژگان یا گزاره‌ها را که کاربرد حقوقی داشتند، با واژگان یا گزاره‌های زبان عام جایگزین کرده است تا کار خواننده آسان‌تر باشد.^{۱۵۵} این جایگزینی‌ها شاید بتواند به فهم‌پذیری آرا کمک کند، اما به دستیابی به هدف نخست یعنی استدلال بیشتر نمی‌انجامد (Charité, 2017: 9).

۳-۲-۲. چالش‌های افزایش استدلال در آرا

آرای شورای قانون اساسی از سال ۲۰۱۶ تا کنون نشان می‌دهند که شورا در دستیابی به دو هدف استدلال بیشتر و فهم‌پذیری بهتر آرا به یک اندازه کامیاب نبوده است. استدلال بیشتر همواره باید به اندازه و بسنده باشد، یعنی دادگاه باید نقطه تعادل یا جایی میان کم‌گویی و زیاده‌گویی را در به‌کارگیری استدلال پیدا کند. چنین چیزی ممکن است در عمل با برخی کارویژه‌ها یا مأموریت‌های قاضی ناسازگار باشد.

۳-۲-۱. به اندازه و بسنده بودن استدلال‌ها

استدلالی که ویژگی به اندازه و بسنده را دارد، نه بسیار کوتاه است و نه بسیار بلند، بلکه همه دلایل مهم یا سازنده رأی را در بردارد. جدای از این، قاضی باید از آوردن استدلال‌های فرعی و ثانوی^{۱۵۶} که ارتباطی به موضوع اصلی دعوا ندارند، خودداری کند.^{۱۵۷} چون شورای قانون اساسی پیشتر از مفهوم دلایل سازنده و مهم در رأی سخن گفته و برای آن‌ها اعتباری برابر با خود رأی را شناخته است^{۱۵۸}، باید در هر رأی این دسته از دلایل را بیاورد. رویه شورا نشان می‌دهد که در برخی آرا از راهکار ارجاع به رأی پیشین^{۱۵۹} بهره می‌برد تا همه استدلال‌ها را دوباره بیان نکرده باشد. با این کار، شورا هم به رویه پیشین خود اشاره می‌کند و بر نظر گذشته خود پای می‌فشرد و هم رأی را کوتاه‌تر می‌کند، بی‌آنکه استدلال‌ها را کمتر کرده باشد. اما آیا شورا باید رویه دادگاه‌های دیگر را نیز در استدلال خود بیاورد؟ از آن‌جا که در نظام قضایی فرانسه رویه قضایی جایگاه و کاربردی مانند سیستم قضایی کامن‌لا ندارد، شورا چندان به رویه دیگر دادگاه‌ها اشاره‌ای نمی‌کند. با این همه، شورا نمی‌تواند رویه دادگاه‌های داخلی (شورای دولتی یا دیوان عالی کشور) یا اروپایی مانند دیگر دادگاه‌های قانون اساسی و به‌ویژه دیوان اروپایی حقوق بشر را نادیده بگیرد. از این‌رو، شورا باید هم بیشتر به آرای پیشین خود و هم به آرای دیگر دادگاه‌های داخلی و اروپایی بازگشت دهد^{۱۶۰} تا به بخشی از هدف استدلال بیشتر دست یابد.

۳-۲-۲-۳. امکان‌پذیری افزایش استدلال‌ها

۱. خواننده اصلی دعوا قانون یا متنی خاموشی است. پس، قاضی به‌گونه‌ای رسیدگی انتزاعی^{۱۶۱} می‌پردازد که جای کمتری برای استدلال می‌گذارد.
۲. قاضی سازگاری یا ناسازگاری یک متن قانونی را با قانون اساسی، که قانونی ملی است، بررسی می‌کند و از ارزیابی آن متن با حقوق اتحادیه اروپایی خودداری می‌ورزد، زیرا گرایش چندانی به پذیرش اثرگذاری حقوق اروپایی بر حقوق داخلی ندارد.

۳. قاضی تلاش می‌کند تا مانند قانون بی‌طرف باشد و تفسیری از قانون کند که تنها بر پایه دانش حقوق باشد، هرچند به این دلیل نتوانیم به باور نهایی او پی ببریم (Belloubet, 2017: 12).

۴. می‌دانیم که بازه زمانی کوتاه برای رسیدگی و تصمیم‌گیری گروهی دو ویژگی دادرسی اساسی‌اند. براساس ماده ۶۱ قانون اساسی شورا باید در بازه زمانی یک ماه، که در صورت فوریت به هشت روز کاهش می‌یابد، رأی خود را درباره سازگاری یا ناسازگاری قانون عادی یا ساختاری با قانون اساسی صادر کند. از آن‌جا که بررسی موضوع و نگارش رأی پدیده‌ای زمان‌بر است، افزایش استدلال می‌تواند شورا را در تنگنا قرار دهد.

۵. فرایند شور و تصمیم‌گیری گروهی می‌تواند مانعی نیز برای افزایش استدلال باشد. چون در اصل، شور و تصمیم‌گیری گروهی هم درباره استدلال‌ها و هم درباره رأی اعمال می‌شود، هرچه استدلال‌ها بیشتر شوند، توافق دیرتر و سخت‌تر به دست خواهد آمد، به‌ویژه آنکه در آرای شورای قانون اساسی فرانسه نظر اقلیت یا مغایر آورده نمی‌شود.^{۱۶۲} چنین پدیده‌ای ممکن است خود به آوردن استدلال‌های فرعی و ثانوی در رأی و کاهش خوانایی و سادگی آن بینجامد (Blacher, 2000: 911).

درباره آوردن نظر اقلیت نیز، جدای از موافقان (بخشی از حقوقدانان) و مخالفان (به‌ویژه قضات) بی‌شماری که دارد (Vedel, 2000: 112 ; Rousseau, 2000: 113)، چند چالش پیش رو خواهد بود. از یک سو، این کار می‌تواند به سری بودن شور و استقلال شورای قانون اساسی آسیب برساند (Charité, 2017: 6). از سوی دیگر، رأی دادگاه تصمیم گروهی است، هرچند به اکثریت مطلق گرفته شده باشد. آوردن نظر اقلیت، چنانکه در بریتانیا بررسی شده است، می‌تواند تصمیم دادگاه را نه تصمیم چند فرد براساس شور و هم‌رأیی، بلکه چند تصمیم فردی نشان دهد. همین دریافت سبب شده است تا در آن کشور یکی از هدف‌های بازبینی دادرسی اساسی رفتن به سوی تصمیم گروهی باشد (Duffy-Meunier, 2017: 52).

نتیجه‌گیری

شورای قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۱۶ تصمیم گرفت تا با هدف افزایش استدلال و فهم‌پذیری بیشتر شیوه و ساختار نگارش آرای خود را بهبود بخشد. از آن‌جا که رویه قضایی شش دهه گذشته نشان‌دهنده کامیابی این نهاد در صدور آرای مستدل و موجه است، دستیابی به دو هدف پیش‌گفته چندان سخت نمی‌نمود و در عمل نیز، شورا تا اندازه زیادی توانست رویه قضایی خود را مستدل‌تر و فهم‌پذیرتر کند. با این همه، هنوز دلایلی وجود دارند که منتقدان عملکرد شورا نباید فراموش کنند. ساختار بندی آرای شورای قانون اساسی بر تفسیری خردگرایانه از حقوق بنا نهاده شده است که به خواننده کمک می‌کند تا به‌آسانی نُرم حقوقی و شیوه به‌کارگیری آن را بازشناسد.

جایگزینی این شیوه که پاسخ به مسئله را براساس متن قانونی می‌جوید، با شیوه دیگری که چاره را به‌گونه‌ای دیگر (در رویه قضایی یا آموزه حقوقی) می‌بیند، کار آسانی نیست (Belloubet, 2017: 12). جدای از دلایلی که پیشتر درباره وابستگی شورا به کوتاه‌نویسی آرا گفتیم، باید جایگاه نهادی شورا در نظام حقوقی فرانسه را نیز یادآور شد. شورا نهادی است که کارویژه خود را کنترل سازگاری قوانین و برخی اعمال با قانون اساسی می‌داند و همواره خود را دور از دو نهاد دولت و پارلمان نگه‌داشته است. به گفته ژرژ وِدِل^{۱۶۳} چنین نهادی «حق دارد پاک‌کن به دست بگیرد و نه قلم»^{۱۶۴}. با باور به این اصل، شورا، نه سیاست دولت را تبیین و توجیه می‌کند و نه خود را در جایگاه قانونگذار قرار می‌دهد.^{۱۶۵} از همین روست که او به قانونگذار نمی‌آموزد چگونه باید بخش‌های ناسازگار یک متن با قانون اساسی را بازنویسی کند.^{۱۶۶}

درباره هدف استدلال‌های بیشتر باید کمی هم به ساختار شورای قانون اساسی فرانسه پرداخت. در هم‌سنجی با دادگاه فدرال آلمان، شمار اعضای شورا ۹ نفر و اعضای دادگاه ۱۵ نفر است. بافت اعضای شورا را می‌توان سیاسی نامید، زیرا کسانی هستند که به‌دلیل آشنایی با سه شخصیت سیاسی یعنی رؤسای جمهور، مجلس ملی و مجلس سنا برگزیده می‌شوند و در میان آنان کمتر حقوقدان حرفه‌ای (استاد دانشگاه، قاضی یا وکیل) دیده می‌شود. حال آنکه در سال ۲۰۱۶، ۶۰ درصد اعضای دادگاه استاد حقوق عمومی در دانشگاه بوده‌اند، بدین معنا دادگاه دارای بافتی حقوقی است. شاید از همین روست که دادگاه همواره در رد یا تأیید استدلالی یک موضوع آموزه حقوقی را به‌کار می‌گیرد.^{۱۶۷}

برای کارکرد بهتر شورای قانون اساسی فرانسه، افزایش شمار کارکنان و اعضا، آوردن نظر اقلیت در آرا، جایگزینی اعضای سیاست‌پیشه با حقوقدانان، افزایش بازه زمانی صدور رأی و دیگر راهکارها همگی می‌توانند تا اندازه‌ای کمک‌کننده باشند تا آرای مستدل‌تر و فهم‌پذیرتری صادر شوند، اما به اندازه ذهنیت و فرهنگ حقوقی تعیین‌کننده و کارا نخواهند بود (Le Quinio, 2017: 43). به بیان بهتر، دادرسی اساسی به‌تنهایی سرنوشت تغییر شیوه استدلال را رقم نمی‌زند. نمونه دادگاه عالی فدرال آمریکا، که یک بار شیوه نگارش رأی (۱۸۰۱-۱۸۰۴) و بار دیگر شیوه استدلال رأی (۱۹۳۷) و پایبندی بی‌چون‌وچرا به رویه را تغییر داد، اما در هر دو مورد به شیوه پیشین بازگشت، نشان می‌دهد که استدلال بیش از هر چیز به نظام حقوقی وابسته است. دادرسی اساسی یا باید براساس گذشته استدلال کند (کامن‌لا) یا بر پایه متون قانونی (حقوق نوشته). از این دیدگاه، پیشرفت‌هایی را که تا کنون در فرانسه رخ داده‌اند، نباید دستاورد اندکی دانست (Zoller, 2017: 67). مهم، دانستن این نکته است که بهبود استدلال هدفی است که باید در چارچوب نظام حقوقی دنبال شود و نه ابزاری برای دگرگونی بنیادین آن.

یادداشت ها

1. Dualité juridictionnelle.

2. Jurisdiction judiciaire.

3. Jurisdiction administrative.

۴. شورا مانند شورای دولتی دارای دو دسته کارویژه قضایی (fonction juridictionnelle) و مشورتی (fonction consultative) است. از آنجا که این دو نهاد بیشتر از آنکه راهنمای نهادهای سیاسی باشند، به دعاوی رسیدگی می‌کنند، به‌عنوان دادگاه (jurisdiction) شناخته می‌شوند، هرچند برگردان فارسی نام آن‌ها (conseil) شورا کمی گمراه‌کننده باشد. جدای از این، قوانین و مقررات حاکم بر کارکرد این نهادها نشان‌دهنده دادگاه بودن آن‌هاست.

5. Conseil constitutionnel.

6. Bundesgerichtshof.

7. Autorité absolue de chose jugée.

8. Pouvoir d'injonction.

۹. مواد ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی.

۱۰. ماده ۶۰ قانون اساسی. ر.ک: Fatin-Rouge Stefanini, 2019: 57-68.

۱۱. اگر رئیس‌جمهور، در زمان بحران و در نبود پارلمان بخواهد قانونگذاری کند (ماده ۱۶)، شورای قانون اساسی نظر مشورتی خود را به وی خواهد داد.

12. Communiqué du Président du 10 mai 2016.

13. Qualification ou déqualification.

14. Annulation totale ou partielle.

15. Rejet simple.

16. Conformité sous réserve.

17. Décisions de Contrôle de Constitutionnalité (DC).

18. Loi.

19. Promulgation.

۲۰. تصویب قانون اساسی با مجلس مؤسسان است، اما برای بازبینی آن براساس ماده ۸۹ قانون اساسی فرایند ویژه‌ای پیش‌بینی شده است. پیشنهاد بازبینی قانون اساسی از سوی رئیس‌جمهور، به درخواست نخست‌وزیر (لایحه بازبینی) یا نمایندگان پارلمان (طرح بازبینی) به مجلس ملی فرستاده می‌شود تا آن را تصویب کند و به مجلس دیگر بفرستد. متن بازبینی شده باید به شکل یکسان از سوی هر دو مجلس تصویب شود. متن نهایی باید از راه همه‌پرسی به تأیید شهروندان برسد، مگر آنکه سه‌پنجم نمایندگان دو مجلس (کنگره) آن را تصویب کرده باشند. یکپارچگی سرزمینی و شیوه جمهوری برای اداره کشور را نمی‌توان بازبینی کرد.

۲۱. در سلسله‌مراتب قوانین پس از قانون اساسی قوانین ارگانیک یا ساختاری قرار دارند که قواعد ویژه مربوط به سازماندهی قدرت عمومی را بیان می‌کنند. این قوانین تکمیل‌کننده قانون اساسی هستند و بالاتر از قانون عادی قرار دارند. از همین روست که قانون عادی باید هم با قانون اساسی و هم با قانون ارگانیک سازگار باشد. تصویب و بازبینی قانون ساختاری با پارلمان است و در چهار مورد با قانون عادی متفاوت است: ۱. پس از واگذاری طرح یا لایحه قانون ارگانیک به هیأت رئیسه مجلس ملی یا سنا، دست کم شش هفته باید بگذرد تا طرح یا لایحه در شور اول بررسی شود؛ ۲. برای تصویب چنین قانونی اکثریت مطلق آرای نمایندگان لازم است، درحالی‌که برای قانون عادی اکثریت نسبی کافی است؛ ۳. اگر قانون ساختاری به مجلس سنا مربوط باشد، متن قانون باید در هر دو مجلس به یک شکل تصویب شده باشد؛ ۴. رئیس‌جمهور نمی‌تواند پیش از تأیید سازگاری قانون ساختاری با قانون اساسی، آن را امضا کند.

۲۲. بند ۲ ماده ۶۱ قانون اساسی.

23. Bloc de constitutionnalité.

24. Charte de l'environnement.
25. Bloc de conventionalité.

۲۶. ماده ۵۴ قانون اساسی.

27. Assemblée nationale.
28. Sénat.
29. Congrès.
30. Règlement.
31. Règlement.
32. Question Prioritaire de Constitutionnalité (QPC).
33. Conseil d'Etat.
34. Cour de cassation.
35. Cf. HAULBERT, 2018.
36. Cf. Ordonnance n° 58-1067 du 7 novembre 1958 portant loi organique sur le Conseil constitutionnel (Art. 23-1 à 23-12) et Décision n° 2010-117 ORGA du 4 février 2010 portant Règlement intérieur sur la procédure suivie devant le Conseil constitutionnel pour les questions prioritaires de constitutionnalité.

۳۷. ماده ۱-۶۱ و ۶۲ قانون اساسی.

۳۸. در این نوشته واژه «پارلمان»، چنانکه در قانون اساسی فرانسه به کار رفته است، دربرگیرنده مجلس ملی و مجلس سناست.

۳۹. مواد ۳۴ تا ۳۶ قانون اساسی.

۴۰. ماده ۳۷ قانون اساسی.

41. Compétence positive.
42. Compétence négative ou l'incompétence.

۴۳. بند ۲ ماده ۳۷ قانون اساسی.

44. Décision L.

۴۵. بند ۴ ماده ۳۷ قانون اساسی.

۴۶. ماده ۴۱ قانون اساسی.

47. Décisions LOM.

۴۸. بند ۳ ماده ۷۷ قانون اساسی.

۴۹. ماده ۶۱ قانون اساسی.

50. Mémoire.
51. Rapporteur.
52. Article 37 de l'Ordonnance n°58-1067 du 7 novembre 1958.
53. Projet de décision.
54. Article 14 de l'Ordonnance n°58-1067 du 7 novembre 1958.
55. Article ۲۳ de l'Ordonnance n°58-1067 du 7 novembre 1958: Ils [les membres du conseil constitutionnel] jurent de bien et fidèlement remplir leurs fonctions, de les exercer en toute impartialité dans le respect de la Constitution, de garder le secret des délibérations et des votes et de ne prendre aucune position publique, de ne donner aucune consultation sur les questions relevant de la compétence du Conseil.

۵۶. در آلمان، انتشار نظر اقلیت از سال ۱۹۷۰ آغاز شد.

57. Conseiller d'Etat.

۵۸. تا سال ۱۹۸۳ لایحه طرف خواهان در فصلنامه حقوق عمومی (Revue du Droit Public) چاپ می‌شد. از سال ۱۹۸۴ شورا همراه هر رأی لایحه‌ها را نیز در روزنامه رسمی در دسترس همگان قرار می‌داد تا پشتمانه علمی و حقوقی رأی خود را در ترازوی نقد قرار دهد.

59. Insuffisance de motivation.
60. Standardisation de motivation.
61. Contradiction de motivation.
62. Saisine.
63. « Le Conseil constitutionnel a été saisi... ».

64. Article 17 de l'Ordonnance n°58-1067 du 7 novembre 1958.

65. Visas.

66. Ordonnance n°58-1067 du 7 novembre 1958.

67. Grieffs.

68. Les griefs relevés d'office

69. Motifs de la décision.

70. Dispositif.

71. Syllogistique.

72. Mineure.

73. Majeure.

74. Syllogisme.

75. Faible.

76. Concision.

77. Cf. Malhiere, 2013.

78. Office du juge.

79. Articles 20, 23-11, 26, 26-1, 40, 45-3, 53.

80. Article 20.

81. Article 23-11.

82. Article 26-1.

83. Article 28.

84. Article 38.

85. Article 45-3.

۸۶. پیوند میان دو دادگاه عالی اداری و اساسی تنها به دلیل انتصاب برخی قضات پیشین شورای دولتی در شورای قانون اساسی نیست. هر دو نهاد کارویژه‌های همسان دارند. شورای دولتی بر اعمال دولت و سازگاری آنها با قانون نظارت می‌کند و شورای قانون اساسی بیش از همه عملکرد پارلمان و سازگاری آن با قانون اساسی را ارزیابی می‌کند.

Cf. Collectif, 1988; Vedel, 1996: 57-63; Vedel, 1997: 77-91.

87. Imperatoria brevis.

88. Cf. Fanny MALHIÈRE, *op.cit.*

۸۹ در رسیدگی به دعوی انتخاباتی، شورا به بررسی دو متن قانونی یا بررسی سازگاری یک متن با نرم‌ها نمی‌پردازد، بلکه به بررسی رخدادهای و ادعاهای طرفین و قانونی بودن آنها می‌پردازد.

90. Complétude.

91. Intelligibilité.

92. Lisibilité.

93. Simplicité.

94. Décision n°2016-539 QPC du 10 mai 2016.

95. Laurent Fabius.

96. Commentaire sur Décision n°2016-539 QPC. Cf.,

https://www.conseil-constitutionnel.fr/sites/default/files/as/root/bank_mm/decisions/2016539qpc/2016539qpc_ccc.pdf

97. « À l'occasion des deux décisions QPC rendues publiques le 10 mai 2016 (décisions n° 2016-539 QPC et 2016-540 QPC), le Conseil constitutionnel a décidé de moderniser le mode de rédaction de ses décisions. Ce nouveau mode de rédaction a pour objectifs de simplifier la lecture des décisions du Conseil constitutionnel et d'en approfondir la motivation. Ce mode de rédaction s'appliquera désormais à l'ensemble des décisions rendues par le Conseil constitutionnel ».

98. « Il convient de signaler que, à l'occasion de cette décision, de même que de l'autre décision rendue le même jour (décision n° 2016-540 QPC), le Conseil constitutionnel a procédé à une modernisation du mode de rédaction de ses décisions. Il s'agit là d'un choix de rédaction pérenne, qui a vocation à être décliné pour l'ensemble des types de décisions que rendra désormais le Conseil constitutionnel, tant dans l'objectif de renforcer l'intelligibilité et la lisibilité de ses décisions qu'afin de permettre une motivation plus approfondie de celles-ci ».

99. <https://www.conseil-constitutionnel.fr/decision/2016/2016539QPC.htm>

100. Compétence de la compétence.

101. Motivation.

۱۰۲. هر رأی به‌طور میانگین ۳۰ صفحه از روزنامه رسمی را پر می‌کند و اگر بخش مقدماتی رأی (یادآوری دادرسی، رخدادهای و ادله طرفین دعوا) را کنار بگذاریم، شمار صفحه‌ها به ۱۷ می‌رسد.

103. Autoritarisme stylistique.

104. Vu

105. Considérant que

106. www.conseil-constitutionnel.fr

107. Nouveaux Cahiers du Conseil constitutionnel qui est devenu Titre VI.

108. Commentaires autorisés.

109. Cf. Charité, 2015: 451.

110. Articles 20, 23-11, 26, 26-1, 40, 45-3, 53.

111. Article 20.

112. Article 23-11.

113. Article 26-1.

114. Article 28.

115. Article 38.

116. Article 45-3.

۱۱۷. پیوند میان دو دادگاه عالی اداری و اساسی تنها به دلیل انتصاب برخی قضات پیشین شورای دولتی در شورای قانون اساسی نیست. هر دو نهاد کارویژه‌های همسان دارند. شورای دولتی بر اعمال دولت و سازگاری آنها با قانون نظارت می‌کند و شورای قانون اساسی بیش از همه عملکرد پارلمان و سازگاری آن با قانون اساسی را ارزیابی می‌کند.

Cf. Collectif, 1988; Vedel, 1996: 57-63; Vedel, 1997: 77-91.

118. Imperatoria brevis.

119. Cf. Fanny MALHIERE, *op.cit.*

۱۲۰. در رسیدگی به دعاوی انتخاباتی، شورا به بررسی دو متن قانونی یا بررسی سازگاری یک متن با نرم‌ها نمی‌پردازد، بلکه به بررسی رخدادهای و ادعاهای طرفین و قانونی بودن آنها می‌پردازد.

121. Complétude.

122. Intelligibilité.

123. Lisibilité.

124. Simplicité.

125. Décision n°2016-539 QPC du 10 mai 2016.

126. Laurent Fabius.

127. Commentaire sur Décision n°2016-539 QPC. Cf.,

https://www.conseil-constitutionnel.fr/sites/default/files/as/root/bank_mm/decisions/2016539qpc/2016539qpc_ccc.pdf

128. « À l'occasion des deux décisions QPC rendues publiques le 10 mai 2016 (décisions n° 2016-539 QPC et 2016-540 QPC), le Conseil constitutionnel a décidé de moderniser le mode de rédaction de ses décisions. Ce nouveau mode de rédaction a pour objectifs de simplifier la lecture des décisions du Conseil constitutionnel et d'en approfondir la motivation. Ce mode de rédaction s'appliquera désormais à l'ensemble des décisions rendues par le Conseil constitutionnel ».

129. « Il convient de signaler que, à l'occasion de cette décision, de même que de l'autre décision rendue le même jour (décision n° 2016-540 QPC), le Conseil constitutionnel a procédé à une modernisation du mode de rédaction de ses décisions. Il s'agit là d'un choix de rédaction pérenne, qui a vocation à être décliné pour l'ensemble des types de décisions que rendra désormais le Conseil constitutionnel, tant dans l'objectif de renforcer l'intelligibilité et la lisibilité de ses décisions qu'afin de permettre une motivation plus approfondie de celles-ci ».

130. <https://www.conseil-constitutionnel.fr/decision/2016/2016539QPC.htm>

131. Compétence de la compétence.

132. Motivation.

۱۳۳. هر رأی به‌طور میانگین ۳۰ صفحه از روزنامه رسمی را پر می‌کند و اگر بخش مقدماتی رأی (یادآوری دادرسی، رخدادهای و ادله طرفین دعوا) را کنار بگذاریم، شمار صفحه‌ها به ۱۷ می‌رسد.

134. Autoritarisme stylistique.

135. Vu
 136. Considérant que
 137. www.conseil-constitutionnel.fr
 138. Nouveaux Cahiers du Conseil constitutionnel qui est devenu Titre VI.
 139. Commentaires autorisés.
 140. Cf. Charité, 2015: 451.
 141. Profane.
 142. Simplification.
 143. Complet.
 144. Complétude.
 145. Rationes decidendi.
 146. Motivation suffisante.
 147. Article 6-1 CEDH.
 148. Procès équitable.
 149. Justiciable.
 150. Décision n°99-421 DC du 16 décembre 1999: considérant 13 : « que cette finalité [intérêt général] répond au demeurant à l'objectif de valeur constitutionnelle d'accessibilité et d'intelligibilité de la loi ; qu'en effet l'égalité devant la loi énoncée par l'article 6 de la Déclaration des droits de l'homme et du citoyen et « la garantie des droits » requise par son article 16 pourraient ne pas être effectives si les citoyens ne disposaient pas d'une connaissance suffisante des normes qui leur sont applicables ; qu'une telle connaissance est en outre nécessaire à l'exercice des droits et libertés garantis tant par l'article 4 de la Déclaration, en vertu duquel cet exercice n'a de bornes que celles déterminées par la loi, que par son article 5, aux termes duquel « tout ce qui n'est pas défendu par la loi ne peut être empêché, et nul ne peut être contraint à faire ce qu'elle n'ordonne pas »
 151. Intelligibilité des lois.
 152. Valeur constitutionnelle.
 153. État de droit.

۱۵۴. بخشی از این جایگزینی‌ها را می‌توان در زیر دید:

- « Vu » → « Au vu des textes suivants »;
 « Ayant été entendu » → « Et après avoir entendu »;
 « Considérant » → les paragraphes;
 « Délibéré » → « Jugé ».

155. Obiter dicta.

۱۵۶. مفهوم استدلال‌های فرعی و ثانوی مفهوم کمتر شناخته‌شده‌ای در حقوق ماست. برای نمونه، جایی که دادگاه به علت نداشتن صلاحیت یا رعایت نشدن یکی از الزامات قانونی قرار رد صلاحیت یا رد دعوا صادر می‌کند، اما نظر خود را درباره همان دعوا می‌دهد. نمونه دیگر جایی است که دادگاه همزمان با استدلال و صدور رأی درباره موضوع دعوا، وضعیتی نزدیک اما متفاوت با پرونده را نیز بیان می‌کند تا با بیان تفاوت‌ها دلیل رأی خود را توضیح داده باشد.

Cf. Vidal-Naquet, 2011: 247-259.

157. Décision n°62-18 L du 16 janvier 1962: « 1. Considérant, d'une part, qu'aux termes de l'article 62 in fine de la Constitution : « les décisions du Conseil constitutionnel s'imposent aux pouvoirs publics et à toutes les autorités administratives et juridictionnelles » ; que l'autorité des décisions visées par cette disposition s'attache non seulement à leur dispositif mais aussi aux motifs qui en sont le soutien nécessaire et en constituent le fondement même ».
 158. Motivation par renvoi à une autre décision.

۱۵۹. دادگاه‌های قانون اساسی کشورهای اسپانیایی زبان (اسپانیا و آمریکای لاتین) در آرای خود به آرای هم‌تایان خود (به‌ویژه راهکارها) نیز ارجاع می‌دهند و این کار را آگاهانه و با پذیرش اینکه بخشی از یک اتحادیه بزرگ دادگاه‌ها با فرهنگ حقوقی همسان هستند، انجام می‌دهند. ر.ک:

Le Quinio, 2017: 38-39; Le Quinio, 2014: 579-602.

160. Contrôle abstrait.

۱۶۱. در سیستم دادرسی اساسی آمریکا، نظر اقلیت ممکن است با رای اکثریت یکسان باشد، اما براساس استدلال‌های دیگری بنا شده باشد. نظر اقلیت ممکن است مغایر با نظر اکثریت باشد، بدین‌معنا رأی آن‌ها با رأی

اکثریت متفاوت است. ر.ک: Mastor, 2005.

162. Georges VEDEL (1910-2002).

163. Le Conseil constitutionnel « a droit à la gomme, pas au crayon ».

۱۶۴. شورا در آرای گوناگون یادآور شده است که قدرت تصمیم‌گیری و ارزیابی قوانین برای شورا و پارلمان یکسان نیستند و صلاحیتش در این زمینه در چارچوب کارویژه کنترل است و نه قانونگذاری.

Cf. Décision n°2020-803 DC du 9 juillet 2020; Décision n°2015-458 QPC du 20 mars 2015; Décision n°2018-717/718 QPC du 6 juillet 2018.

165. Décision n°2018-717/718 QPC du 6 juillet 2018.

۱۶۶. این پیوند میان دانشگاه و دادگاه فدرال سبب شده است تا در آلمان کتاب‌های حقوق اساسی بسیار بیشتر از فرانسه به بررسی و ارزیابی آرا پردازند. ر.ک:

Hochmann, 2017: 25-26.

منابع لاتین

Livres

- COLLECTIF, **Conseil constitutionnel et Conseil d'État**, LGDJ, 1988, 536 p.
 FAVOREU, Louis (2019) et al., **Droit constitutionnel**, Dalloz, 21^e édition, 1135 p. Patrick Gaïa
 HAULBERT, Marine (2018), **L'interprétation normative par les juges de la QPC**, Thèse, Université de Montpellier, 2018, 1257 p.
 MALHIÈRE Fanny (2013), **La brièveté des décisions de justice (Conseil constitutionnel, Conseil d'État, Cour de cassation) - Contribution à l'étude des représentations de la justice**, Dalloz, 665 p.
 MASTOR, Wanda (2005), **Les opinions séparées des juges constitutionnels**, Economica-PUAM, 360 p.
 ROUSSEAU, Dominique, GAHDOUN, Pierre-Yves et BONNET, Julien (2016), **Droit du contentieux constitutionnel**, 11^e édition, 2016, LGDJ, 870 p.
 VIALA, Alexandre (1999), **Les réserves d'interprétation dans la jurisprudence du Conseil constitutionnel**, LGDJ, 316 p.

Articles

- BARANGER, Denis (2012), "Sur la manière française de rendre la justice constitutionnelle : Motivations et raisons politiques dans la jurisprudence du Conseil constitutionnel", **Jus Politicum**, No. 7, pp. 1-38.
 BELLOUBET, Nicole, (2017), "La motivation des décisions du Conseil constitutionnel : justifier et réformer", **Nouveaux cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 55-56, pp. 5-21.
 BLACHER, Philippe (2000), "L'*obiter dictum* dans la jurisprudence du Conseil constitutionnel", **Revue européenne de droit public**, Vol. 12, No. 3, pp. 897-920.
 CARCASSONNE, Guy (2008), "L'intelligibilité des décisions du Conseil constitutionnel", in Pascal MBONGO, **La Qualité des décisions de justice**, Éditions du Conseil de l'Europe, pp. 139-145.
 CHARITÉ, Maxime (2015), "Les commentaires autorisés des décisions du Conseil constitutionnel", **Revue de droit public**, No. 2, pp. 451-464.
 CHARITÉ, Maxime (2017), "Réflexions sur la modernisation du mode de rédaction des décisions du Conseil constitutionnel", **Revue générale du droit** (www.revuegeneraledudroit.eu), Etudes et réflexions, No. 1. pp. 1-16.
 DE PAUL TETANG, France (2016), "À propos de la qualité des décisions du Conseil constitutionnel", **Revue française de droit constitutionnel**, No. 108, pp. 1-36.
 DUFFY-MEUNIER, Aurélie (2017), "La réforme de la motivation des décisions du Conseil constitutionnel à l'épreuve des modèles étrangers : l'exemple du Royaume-Uni", **Nouveaux cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 55-56, pp. 45-55.

- FATIN-ROUGE STEFANINI, Marthe (2019), " Juger le référendum", **Annuaire internationale de justice constitutionnelle**, Economica PUAM, pp. 57-68
- FAVOREU, Louis (1986), "Décision de constitutionnalité", **Revue internationale de droit comparé**, Vol. 38, No. 2, Études de droit contemporain. Contributions françaises au 12^e Congrès international de droit comparé (Sydney-Melbourne, 18-26 août 1986) pp. 611-633.
- GINOCCHI, David (2011), "Le contrôle de la LOPPSI par le Conseil constitutionnel", **Actualité juridique. Droit administratif**, No. 19, pp. 1097-1101.
- GUILLAUME, Marc (2013), "La motivation des décisions du Conseil constitutionnel", **Annuaire international de justice constitutionnelle**, (Le juge constitutionnel et l'équilibre des finances publiques, Constitutions et mécanismes d'intégration régionale), PUAM, pp. 49-51.
- HOCHMANN, Thomas (2017), "Motivation et justice constitutionnelle: le modèle allemand", **Nouveaux cahiers du Conseil constitutionnel**, No.° 55-56, pp. 23-31.
- LE QUINIO, Alexandre (2014), "Le recours aux précédents étrangers par le juge constitutionnel français", **Revue internationale de droit comparé**, No. 2, pp. 579-602.
- LE QUINIO, Alexandre (2017), "La motivation des décisions du Conseil constitutionnel au prisme du modèle ibéro-américain", **Nouveaux cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 55-56, pp. 33-43.
- MALAURIE, Philippe (2005), "L'intelligibilité des lois", **Pouvoirs**, No. 3, pp. 131-137.
- MATHIEU, Bertrand (2005), "Un an de jurisprudence constitutionnelle : bilan, perspectives et questions", **Recueil Dalloz**, pp. 920-923.
- ROUSSEAU, Dominique (2000), "La transposition des opinions dissidentes en France est-elle souhaitable ? "Pour" : une opinion dissidente en faveur des opinions dissidentes", **Cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 8, p. 113.
- SABETE, Wadgi (2011), "De l'insuffisante argumentation des décisions du Conseil constitutionnel", **Actualité juridique. Droit administratif**, p. 885.
- VEDEL, Georges (1996) "Excès de pouvoir législatif et excès de pouvoir administratif (I)", **Cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 1, pp. 57-63.
- VEDEL, Georges (1997) "Excès de pouvoir législatif et excès de pouvoir administratif (II)", **Cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 2, pp. 77-91
- VEDEL, Georges (2000), "La transposition des opinions dissidentes en France est-elle souhaitable ? "Contre" : le point de vue de deux anciens membres du Conseil constitutionnel", **Cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 8, p. 112.
- VIDAL-NAQUET, Ariane (2011), "La pratique des *obiter dicta* dans la jurisprudence du Conseil constitutionnel", in Philippe RAIMBAULT et Maryvonne HECQUARD-THERO, **La pédagogie au service du droit**, PUT LGDJ, pp. 247-259.

ZOLLER, Elizabeth (2017), "Les réformes inachevées de la motivation des arrêts de la Cour suprême des États-Unis", **Nouveaux cahiers du Conseil constitutionnel**, No. 55-56, pp. 57-67.

Législation

Constitution française du ۴ octobre 1958.

Ordonnance n°58-1067 du 7 novembre 1958 portant loi organique sur le Conseil constitutionnel.

Décisions du Conseil constitutionnel

Décision n°2020-803 DC du 9 juillet 2020, *Loi organisant la sortie de l'état d'urgence sanitaire*.

Décision n°2018-717/718 QPC du 6 juillet 2018, *M. Cédric H. et autre* [Délit d'aide à l'entrée, à la circulation ou au séjour irréguliers d'un étranger].

Décision n°2016-540 QPC du 10 mai 2016 *Société civile Groupement foncier rural Namin et Co* [Servitude administrative grevant l'usage des chalets d'alpage et des bâtiments d'estive]

Décision n°2016-539 QPC du 10 mai 2016, *Condition de résidence fiscale pour l'imposition commune des époux en Nouvelle-Calédonie*.

Décision n°2015-458 QPC du 20 mars 2015, *Époux L.*

Décision n° 2010-117 ORGA du 4 février 2010 portant Règlement intérieur sur la procédure suivie devant le Conseil constitutionnel pour les questions prioritaires de constitutionnalité.

Décision n°99-421 DC du 16 décembre 1999, *Loi portant habilitation du Gouvernement à procéder, par ordonnances, à l'adoption de la partie législative de certains codes*.

Décision n°62-18 L du 16 janvier 1962, *Nature juridique des dispositions de l'article 31 (alinéa 2) de la loi n°60-808 du 5 août 1960 d'orientation agricole*.

Sites

Cairn www.cairn.info

Conseil constitutionnel de la République française <https://www.conseil-constitutionnel.fr>

Légifrance Le service public de la diffusion du droit

<https://www.legifrance.gouv.fr>

Persée www.persee.fr

Revue générale du droit www.revuegeneraledudroit.eu